

ارزیابی سه ماه مدیریت کرونایی در گفت و گو با با محمد هاشمی

غلبه بر بحران های ملی در سایه فضای باز

تجربه اخیر نشان داد که حضور مردم در کنار صداقت و هماهنگی مسئولان مخاطرات را رفع می کند

گروه سیاسی/ رئیس جمهوری در جلسه اخیر ستاد اقتصادی کشور تأکید کرده بود که تلاش ها همه باید در راستای رفع مشکلات مردم و امیدواری مردم نسبت به آینده باشد. در سه ماهی که از مواجهه رسمی ایران با بیماری کرونای گذرد در کنار تبعات منفی بهداشتی، اقتصادی و سیاسی و اجتماعی که داشته وجوه مثبتی هم رقم خورده است. همکاری های ملی و هماهنگی دستگاه های مختلف معطوف به مقابله با این بیماری در کنار حضور مردم جلوه های مثبت این داستان است. در همین ارتباط گفت وگو کرده ایم با محمد هاشمی از فعالان سیاسی با سابقه. به تعبیر او ارتباط مردم و مسئولان یک جاده دو طرفه است که طرفین باید مطالبات و ملاحظات یکدیگر را مد نظر قرار دهند.

■ در سه ماه گذشته و از زمان مواجهه با بیماری کرونا در کنار تبعات منفی که برای کشور رقم خورده، شاهد هماهنگی های ملی و مشارکت مردم هم بوده ایم. به نظر شما این همکاری ها و چقدر مفید فایده بوده و آیا می توان آن را به دیگر موارد و موضوع ها هم سرایت داد؟

بله این ادعای درستی است. علاوه بر مسئولان شاهد حضور و مشارکت مردم در مقابله با کرونا بودیم. به هر حال همیشه در شرایط سخت که مسئولان به سراغ مردم رفته اند پاسخ مثبت گرفته و فاصله های بین مسئولان و مردم هم کم شده است. این از وجوه مثبت بحران کرونا در ایران بود که البته از ابتدای انقلاب هم جاری و ساری بوده است. چرا که اساسا مبنای پیروزی انقلاب هم مشارکت مردم بوده است. از آن زمان تا کنون هم همواره در فراز و فرودها و مشخصا در جنگ تحمیلی و تحمل فشارهای تحریم، مردم ابتکارانه ورود کرده اند. این نکته مهمی است و البته پیاپی هم دارد که اگر مردم در اصطلاحاً به حساب آوریم و به آنها میدان بدهیم و اجازه دهیم همه جریان های سیاسی که نظام را قبول دارند وارد میدان شوند می توانیم با اتکا به داخل و بی نیاز از بیگانگان مشکلات را حل کنیم.

■ هماهنگی و همکاری مسئولان و نهادهای مختلف هم بروز و ظهور پررنگی داشته است. چقدر مهم است که این هماهنگی ها تداوم یابد؟ این وجه هم مهم است. به جرأت می توان گفت که در این سه ماهه شاهد همکاری مسئولان در رده های مختلف بودیم که اوج آن ستاد ملی مقابله با کرونا و تبعیت همه دستگاه ها از دستورات و تصمیمات آن بود تا جایی که حتی امکان مقدسه و نماز جمعه ها هم به تبعیت از این دستورات تعطیل شدند. مسئولان به هر حال برای مردم قابل احترام هستند حالا ممکن است ضریب نفوذ و محبوبیت آنها بین مردم متفاوت باشد. وقتی همه مسئولان در نهادهای مختلف هماهنگ باشند جمع یی نتیجه آن کارآمدی می شود و در غیر اینصورت ممکن است نیروهای متفاوت اثرات کار یکدیگر را

نسبت به ایران هم عرق دارند. امروز کسی تردید ندارد که اتفاقاً یکی از مزیت های جمهوری اسلامی همین نیروی انسانی تحصیل کرده و با انگیزه است چه داخل و چه خارج از کشور.

باید به این ها میدان داد و شرایط حضور ایرانیان خارج از کشور در ایران و سرمایه گذاری آنها را فراهم کرد. جان کلام این است که فضای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را باز کنیم تا دیدگاه های مختلف بتوانند

■ شما عملکرد دولت و مجموعه تصمیم سازی ها در مواجهه با کرونا را چگونه ارزیابی می کنید؟ فراموش نکنیم که کرونا برای همه کشورها همراه با نوعی غافلگیری بود لذا هیچ یک از دولت ها آمادگی قبلی برای مواجهه نداشتند. گذشته از این موضوع وضعیت اقتصادی ایران هم در یکی دو سال اخیر همراه با نوسانات بوده و معیشت مردم را درگیر خود کرده است. در کنار اینها تحریم های امریکا هم همچنان برقرار است که همه اینها کار مقابله را سخت تر می کند. با همه اینها می توان گفت دولت در مجموع کارنامه قابل دفاعی از خود به جای گذاشته است. الان اگر چه آمار ابتلاها دوباره زیادتر شده است اما گفته می شود به خاطر افزایش امکانات برای تست گیری و آزمایش هاست. اما مرگ و میرها کاهش چشمگیری داشته است. در حقیقت دولت در حد توان خود به اصناف و مشاغل و مردم نیازمند کمک کرد و البته کمک های غیردولتی و مردمی هم چشمگیر بود.

در گذر کشور از بحران نقش ایفا کنند و خود را در آبادی ایران سهیم بدانند. تجربه اخیر نشان داد که حضور مردم در کنار صداقت و هماهنگی مسئولان خطرات و مخاطرات را رفع می کند.

بنابر این می طلبید به سمت امنیت کردن فضای کشور نرویم و همه مجموعه های دوست دار نظام و کشور را دعوت کنیم به میدان بیایند و داشته های خود اعم از تجربه، تخصص، سرمایه و... را به کار بگیرند. البته که امنیت هم مؤلفه بسیار مهمی است اما باید مراقب بود که به بهانه امنیت دیگر حوزه های مهم

مختصات جداگانه است، رسانه هم چنین وضعی خواهد داشت؟

۱- رسانه ها معمولاً در بحران ها و حوادث، مشتری شان زیاد می شود. هنگام حوادث، مخاطبان به دنبال کسب اطلاعات و اخبار تازه اند و رسانه ها این نیاز را با سرعت و راحتی تأمین می کنند. از اوایل اسفند گذشته به همین دلیل رسانه های داخلی با اوج گیری شدید مخاطب مواجه شدند و تعداد مراجعه به آنها به طور شگفت انگیزی بالا رفت. حتی با اینکه فضای مسمومی توسط فضای مجازی علیه جریان اطلاع رسانی رسمی شکل گرفت، اما خیلی زود، رسانه های رسمی جایگاه خود را باز یافتند. ۲- کارکرد دوم رسانه ها، انتشار تحلیل است. کرونا از این جهت نیز به مدد رسانه ها آمد و

کمیت و کیفیت تحلیل ها را ارتقا داد. اعلام نتایج انتخابات مجلس یازدهم و مصادف شدنش با روزهای داغ کرونا، تأثیر رسانه ها را مضاعف کرد. هرچند که سنگینی کرونا خود را بر فضای سیاسی -انتخاباتی کشور آوار کرد، اما رسانه ها را از تب و تاب نینداخت؛ بویژه اینکه کرونا تقریباً همه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی را تعطیل کرده بود و تنها کرکده ای که می توانست بالا باشد، کرکره دکان رسانه بود. ۳- با این همه گمان نمی کنم رسانه پاسارونا، دورنمایی متفاوت از پیشا کرونا داشته باشد. به عبارت بهتر، رسانه محمل و بستر است و همواره در انتظار شکارموقعیت ها یا خلق آنهاست. در عین

تا به امروز، ویروسی به اندازه کرونا، برد جهانی نداشته است؛ از این رو، می توان مدعی شد که کرونا یک تجربه جدید جهانی است و باید برای نحوه مواجهه با آن اندیشید.

واقعیت این است که در ربی شیوع ویروس کرونا، مردم در جهان، سطحی از «همبستگی اجتماعی» را شکل داده اند و آنچه جست و جو می کنند، یافتن راه های درمان و پیشگیری از ویروس کرونا است و رقابتی هم که در پس تولید واکنس و داروی برای این ویروس شکل گرفته، باعث رشد علمی دانشگاه ها در سطح جهانی شده است. به این معنا که بیماری می تواند یک جهان را درگیر کند و وقتی بیماری جهانی باشد، واکنش نیز جهانی خواهد شد.

برعکس واگرایی تئوری امریکایی و نئولیبرالیسم، اکنون نوعی «همبستگی جهانی» در حال شکل گیری است و این همبستگی جهانی بیشتر در سطح «ملت ها» رخ می دهد تا «دولت ها»؛ و به این اعتبار، رهبری جهانی امریکار در حال فروپاشی است

متمركز شکسته می شود و سردمداران سیاسی شان ضربه می خورند. ماجرای شنبه های سیاه فرانسه و راهپیمایی و اعتراض شان به بی عدالتی ها، با شیوع ویروس کرونا بدتر خواهد شد.

تا پیش از این اگر پول ها بیشتر به سمت خرید سکه و دلار سرازیر می شد، اکنون کرونا باعث شد پول و سرمایه مردم وارد یک جریان ملی شود و با وارد شدن مردم به بورس و با خرید سهام کارخانه ها عملاً دولت ها کوچک شده و دانش اقتصادی در کشور ما در حال نهاندینه شدن است و این باعث می شود تا رشد اقتصادی در جامعه ما کاملاً درونی و ساختاری پیش رود. اینجا است که «همبستگی اجتماعی» ذیل اقتصاد شکل می گیرد. یک دانش عمومی در کنار یک اقتصاد عمومی در حال شکل گیری است که طی آن تولید و توزیع و مصرف کالا در جهان ارزان می شود و بی عدالتی هایی که بواسطه بانک جهانی رقم خورده است، از بین می رود. شاهد این مدعا تحریم ایران است که این روزها در حال شکسته شدن است. این روزها، اقتصاد ایران خود به یک بازار بزرگ بدل شده که در درون خود تولید و مصرف می کند.

بارشد اقتصاد و مردمی شدن آن، بتدریج بخش خصوصی پشتوانه مالی دانشگاه ها خواهد شد. پول خرج خواهد کرد تا دانشگاه تئوری تولید کند؛ تئوری هایی که جنبه کاربردی و عملیاتی داشته باشد و در دره جامعه پیرا زاد و به تعبیری از تبدیل شدن بحران ها به فاجعه جلوگیری کند.

آیا پساکرونا دنیای بهتری برای زندگی خواهد بود؟

جهان ملت های همبسته



دکتر ابراهیم فیاض
استاد دانشگاه تهران

برعکس واگرایی تئوری امریکایی و نئولیبرالیسم، اکنون نوعی «همبستگی جهانی» در حال شکل گیری است و این همبستگی جهانی بیشتر در سطح «ملت ها» رخ می دهد تا «دولت ها»؛ و به این اعتبار، رهبری جهانی امریکار در حال فروپاشی است

متمركز شکسته می شود و سردمداران سیاسی شان ضربه می خورند. ماجرای شنبه های سیاه فرانسه و راهپیمایی و اعتراض شان به بی عدالتی ها، با شیوع ویروس کرونا بدتر خواهد شد.

تا پیش از این اگر پول ها بیشتر به سمت خرید سکه و دلار سرازیر می شد، اکنون کرونا باعث شد پول و سرمایه مردم وارد یک جریان ملی شود و با وارد شدن مردم به بورس و با خرید سهام کارخانه ها عملاً دولت ها کوچک شده و دانش اقتصادی در کشور ما در حال نهاندینه شدن است و این باعث می شود تا رشد اقتصادی در جامعه ما کاملاً درونی و ساختاری پیش رود. اینجا است که «همبستگی اجتماعی» ذیل اقتصاد شکل می گیرد. یک دانش عمومی در کنار یک اقتصاد عمومی در حال شکل گیری است که طی آن تولید و توزیع و مصرف کالا در جهان ارزان می شود و بی عدالتی هایی که بواسطه بانک جهانی رقم خورده است، از بین می رود. شاهد این مدعا تحریم ایران است که این روزها در حال شکسته شدن است. این روزها، اقتصاد ایران خود به یک بازار بزرگ بدل شده که در درون خود تولید و مصرف می کند.

بارشد اقتصاد و مردمی شدن آن، بتدریج بخش خصوصی پشتوانه مالی دانشگاه ها خواهد شد. پول خرج خواهد کرد تا دانشگاه تئوری تولید کند؛ تئوری هایی که جنبه کاربردی و عملیاتی داشته باشد و در دره جامعه پیرا زاد و به تعبیری از تبدیل شدن بحران ها به فاجعه جلوگیری کند.

تأثیر کرونا بر تغییر الگوی رفتاری و زیستی ما

زیر پوست یک اتفاق



دکتر حسن محدثی
چهارمشناس و استاد دانشگاه

در شرایط بحرانی، سطوح تحولات متفاوت است؛ گاه فجایع «طبیعی» هستند و گاهی «اجتماعی»؛ اما اغلب فجایع درهر دو سطح اتفاق می افتند و از یک سطح به سطح دیگر سرایت می کنند؛ به عنوان مثال اپیدمی ها، ضمن اینکه ریشه طبیعی دارند، از طریق فرهنگ و نوع روابط اجتماعی بسط می یابند، با فحطی ها که با وجود داشتن جنبه های طبیعی، ابعاد اجتماعی نیز پیدا می کنند. فاجعه هایی همچون بیماری های همه گیر در سطح فکری و فرهنگی تأثیر جدی می گذارند و تغییرات و تحولات دیگری از تغییرات که مورد انتظار است، به مسائل اقتصادی برمی گردد، امروز به دلیل شیوع ویروس کرونا بسیاری از کسب و کارها دچار مشکل شده است، از این رو، دنیای مجازی و دنیای الکترونیک جدی تر گرفته شده و بخشی از کسب و کارها از این طریق دنبال می شود. این درهم تئیدگی عرصه «کسب و کار» با «دنیای مجازی» باعث می شود تا در جهان پساکرونا بخشی از کسب و کارها در این فضا دنبال شود.

سوم، از نظر تمدنی، جامعه ای که در حوزه تکنولوژیک مطلق بسیاری از فعالیت ها، رسانه ها افکار عمومی را تغذیه می کردند، برای آنها فرصت مناسبی پدیدآورده که می تواند عامل رشد باشد.

رسانه در چنین موقعیتی دست بالا را پیدا می کند و می تواند برای بهبود شرایط حضورش، قدرت چانه زنی بیشتری داشته باشد. به گمانم الان نوبت سهم خواهی! رسانه ها تا از فرصت پیش رو استفاده کنند. این سهم، مادی و اقتصادی نیست بلکه شامل مطالبات بیشتر از حاکمیت برای شفاف سازی اطلاعات، کاهش سانسورها، گسترش آزادی بیان و پس از بیان خواهد بود. رسانه در چنین موقعیتی دست بالا را پیدا می کند و می تواند برای بهبود شرایط حضورش، قدرت چانه زنی بیشتری داشته باشد. به گمانم الان نوبت سهم خواهی! رسانه ها تا از فرصت پیش رو استفاده کنند. این سهم، مادی و اقتصادی نیست بلکه شامل مطالبات بیشتر از حاکمیت برای شفاف سازی اطلاعات، کاهش سانسورها، گسترش آزادی بیان و پس از بیان خواهد بود.

نهم، برعکس اظهار نظرهایی که در مورد تقویت مرزهای ملی در جهان پساکرونا صورت می گیرد، معتقدم دنیای جهانی شده به مقب برمی گردد. در واقع، خودنفس پدیده کرونا نشان می دهد که ما چقدر به یکدیگر همبسته هستیم و سرنوشت مان به هم گره خورده است. یک ویروس، اکثر

برعکس اظهار نظرهایی که در

مورد تقویت مرزهای ملی در

جهان پساکرونا صورت می گیرد،

معتقدم دنیای جهانی شده به

عقب برنمی گردد. خودنفس

پدیده کرونا نشان می دهد که ما

چقدر به همدیگر پیوسته هستیم

و ضرورت «همگرایی جهانی»

بیش از پیش باید فهم شود

کشورهای دنیا را درگیر کرده و این خود نشان می دهد که ما مناطق جدا افتاده در جهان نداریم. براین اساس، ضرورت «همگرایی جهانی» بیش از پیش باید فهم شود و بی شک، دولت هایی همچون امریکا در آینده به موضوع «همگرایی جهانی» بیشتر توجه خواهند کرد و به پروتکل های جهانی می پیوندند و حتی ممکن است امنیت سازمان های جهانی مثل «سازمان بهداشت جهانی» اختیارات بیشتری را برای مداخله در اینگونه مواقع خواستار شوند. از این رو، معتقدم، ضرورت پیوسته بودن جهان به دنبال شیوع کرونا بیش از گذشته تقویت و فهمیده شده است.

اما چگونه می توان آمادگی لازم برای مواجهه با بحران هایی همچون شیوع بیماری های همه گیر را در جامعه ایجاد کرد و علوم اجتماعی و جامعه شناسی در ایجاد این آمادگی چه مسئولیتی برعهده دارد؟ یکی از دلایل فقر نظریه پرداز در حوزه های انضمامی در جامعه ما وجود موانعی همچون ممیزی است که باعث می شود تا آرای متفکران در عرصه های علوم انسانی و علوم اجتماعی به سهولت به جامعه تزریق نشود. از سوی دیگر «فقر تاریخ اجتماعی در ایران» باعث شده تا ما داستان زندگی مردم را در طول صد سال پیش در اختیار نداشته باشیم. ما مادامی می توانیم از رهگذر علوم اجتماعی و علوم انسانی در مردم برای مواجهه با فجایع، آمادگی ایجاد کنیم که به آنان آزادی عمل بیشتری در ارائه افکار و دسترسی به اطلاعات بدهیم.